



گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رئیس اتاق کرمان

فرآیند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری معادن

اختلال در اکتشاف، طراحی، استخراج و بهره‌برداری گریبان‌گیر معادن کوچک است که فعالیت در آن‌ها را غیراقتصادی کرده است. ثبت تقریباً همه پهنه جغرافیایی استان کرمان به‌عنوان محدوده معدنی و عدم انجام کار جدی، نتیجه فرآیند ناقص اکتشاف و بهره‌برداری است. اصولاً مدیریتی در پایش ذخایر معدنی استان دیده نمی‌شود؛ اعلام نیروی ذخایر، حدسی و تخمینی است، ظرفیت پروانه‌های بهره‌برداری، مطابق با واقعیت موجود نیست و استخراج هم به میزان واقعی ذکر نمی‌شود. معادن بخش خصوصی اغلب کوچک و به لحاظ ارزش ماده معدنی، پایین درجه است. گروه غالب بهره‌برداران معادن بزرگ و ارزشمند، شرکت‌های دولتی یا خصوصی می‌باشند، لذا امکان شکل‌گیری رقابتی وجود ندارد.

سید مهدی طبیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان همچنین می‌گوید که بخش معدن بهره‌ور نیست، زیرا زنجیره ارزش کامل نیست. اگر یارانه انرژی حذف شود، معلوم نیست توجیه اقتصادی فعالیت‌های معدنی چه وضعی پیدا کند. وی با برشماری شواهدی در قالب سؤال‌هایی چند، سیاست‌گذاری در بخش معدن کشور را درست نمی‌داند و یادآوری می‌کند که اگر یارانه انرژی حذف شود، معلوم نیست توجیه اقتصادی فعالیت‌های معدنی چه وضعی پیدا کند، معادن منابع تجدیدپذیرند، این سرمایه بین نسلی را نباید صرف هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری‌های غیرحرفه‌ای کرد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه کنیم.



ثبت تقریباً همه پهنه جغرافیایی استان به‌عنوان محدوده معدنی و عدم انجام کار جدی، نتیجه این فرآیند ناقص است، برای نجات از این وضعیت، اول باید کلیه محدوده‌هایی را که ثبت شده‌اند و کار قابل توجهی انجام نداده‌اند، باطل و مجدد به‌صورت مزایده با تعیین شرایط احراز به شرکت‌ها یا افراد ذی‌صلاح واگذار نمود، البته حمایت‌های لازم برای کمک به اکتشاف و بهره‌برداری از طریق منابع بانکی به صندوق‌های تضمین سرمایه‌گذاری به عمل آید.

اصلاً مدیریتی

در پایش دیده

نمی‌شود.

ذخیره قطعی و

قابل اتکایی ذکر

نمی‌شود، همه

ذخایر حدسی و

تخمینی است و

وقتی آمار دقیق

بااحتمال‌های

مرسوم در بخش

معدن نداشته

باشید چگونه

می‌توانید پایش

کنید، ظرفیت

پروانه‌های

بهره‌برداری، مطابق

با واقعیت موجود

نیست و استخراج

هم به همان

دلایل، واقعی ذکر

نمی‌شود.

♦♦ روشن است که آسیب‌پذیری معادن کوچک و متوسط در حد قابل توجهی بیشتر از مجتمع‌های بزرگ معدنی است. به نظر شما ایجاد هلدینگ‌هایی با مشارکت معادن کوچک و متوسط چقدر می‌تواند امکان‌پذیر و درست باشد؛ جهت اینکه این معادن تقویت‌شده و در زنجیره معدن و صنایع معدنی در جایگاه مناسب نقش‌آفرینی کنند؟

این یک الزام است. تعدد و پراکندگی و ذخیره‌های محدود مانع از یک فعالیت مستقل برای هرکدام از معادن می‌شود و از آنجا که حمل ماده معدنی خام در اندازه‌های کوچک، فاقد توجیه اقتصادی است، تجمیع و یکپارچه‌سازی و احداث واحد فرآوری و پُرعیارسازی در مرکز ثقل این معادن، استفاده از امکانات استخراج معدن به‌صورت مشترک، استفاده از تجارب و دانش و سرویس‌های مشاوره مشترک می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی معادن کوچک کمک کند.

♦♦ در فضای بخش معدن استان کرمان، چه میزان از رقابت‌های احتمالی ناهمسان شرکت‌های دولتی با بخش خصوصی پرهیز می‌شود؟ بخش خصوصی کجای کار است و دولت چقدر بستری لازم خصوصی‌سازی در بخش معدن را فراهم کرده است؟

گروه غالب بهره‌برداران معادن در استان کرمان به لحاظ

♦♦ شما چه تحلیلی بر چگونگی سیاست‌گذاری بخش معدن

کشور دارید؟

من این سؤال را با سؤال پاسخ می‌دهم، آیا کشور از ذخایر ارزشمند معدنی متنوع خود برای ایجاد توسعه متوازن مناطق، تکمیل زنجیره کامل ارزش، خلق تکنولوژی‌های استخراج، اکتشاف، فرآوری، اشتغال پایدار، حفظ محیط-زیست و توسعه زیرساخت‌ها استفاده کرده است؟ یعنی آیا ما هم‌اکنون دانش اکتشاف سیستماتیک وسیع و عمیق را داریم یا استخراج و بازیافت مواد معدنی کم‌عیار را با تکنولوژی پیشرفته انجام می‌دهیم؟ بهره‌وری مطلوب است؟ دانش زنجیره کامل فولاد و مس را داریم؟ در زمینه معدن ماشین‌ساز شده‌ایم؟ اگر شده‌ایم یعنی سیاست‌گذاری درست بوده است و در صورت عدم وجود چنین دستاوردهایی، باید بگوییم سیاست‌گذاری درست نبوده است.

♦♦ مدیریت پایش ذخایر معدنی در استان را چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

اصلاً مدیریتی در پایش دیده نمی‌شود. ذخیره قطعی و قابل اتکایی ذکر نمی‌شود، همه ذخایر حدسی و تخمینی است و وقتی آمار دقیق با احتمال‌های مرسوم در بخش معدن نداشته باشید چگونه می‌توانید پایش کنید، ظرفیت پروانه‌های بهره‌برداری، مطابق با واقعیت موجود نیست و استخراج هم به همان دلایل، واقعی ذکر نمی‌شود.

♦♦ مهم‌ترین اختلالات موجود فراراه فعالیت بنگاه‌های

معدنی (بویژه معادن کوچک) که آن‌ها را در معرض خطر قرار داده است، چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نمود؟

اصولاً فرآیند اکتشاف و بهره‌برداری معادن شامل شناسایی، ثبت محدوده، اخذ پروانه اکتشاف، انجام عملیات اکتشاف و اخذ گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری می‌شود. در شروع کار یعنی شناسایی، اصول و استانداردهای خاصی وجود ندارد و بر اساس مطالعات کامل انجام نمی‌شود و بیشتر این شناسایی‌ها اتفاقی است؛ لذا آغاز فرآیند، تصادفی و اتفاقی است به همین جهت افراد حرفه‌ای، توانمند و متخصص وارد این چرخه نمی‌شوند. اکتشاف که درست صورت نگیرد مابقی فرآیند ناقص اجرا می‌شود و تقریباً همه معادن کوچک چنین وضعی دارند و منابع قابل اتکا یا شناسایی نمی‌شوند یا بیش‌ازحد ارزیابی می‌گردند. لذا اختلال در اکتشاف، طراحی، استخراج و بهره‌برداری، گریبان‌گیر معادن کوچک است که فعالیت در این معادن را غیراقتصادی کرده است و به‌نوعی ائتلاف منابع بدون ایجاد ارزش‌افزوده قابل توجه است.

بخصوص در گردآوری و تحلیل دقیق داده و تهیه مدل‌های خاص اکتشافی معدن قرار گرفته و شرایط لازم برای طراحی مدل‌های استخراجی را فراهم می‌آورد که بسیار اهمیت دارد تا به‌طور کامل به‌عنوان یک سرفصل جدید در فعالیت‌های معدنی جای گیرد. از برآوردهای اولیه چنین استنباط می‌شود که در این زمینه فعالیت چندانی بویژه در معادن کوچک انجام نشده است.

♦♦ آیا با توجه به مرتبه استان در ذخایر معدنی کشور، بخش معدن می‌تواند به‌عنوان پیشران اقتصاد و تحقق اهداف صنعتی استان چه در کوتاه‌مدت و چه بلندمدت تلقی شود؟ اقتصاد استان کوچک است و هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده در این اقتصاد نسبتاً کوچک، بخش معدن و صنایع معدنی پیشران است، اما این پیشرانی در غیاب یک بخش کشاورزی اقتصادی و مدرن و نیز صنعت پیشرفته برخوردار از زنجیره کامل ارزش اتفاق افتاده است، البته اگر بخش معدن و صنایع معدنی با روش‌های مدرن اکتشاف، استخراج شود



اقتصاد استان

کوچک است

و هنوز جایگاه

واقعی خود را

پیدا نکرده در

این اقتصاد

نسبتاً کوچک،

بخش معدن و

صنایع معدنی

پیشران است، اما

این پیشرانی در

غیاب یک بخش

کشاورزی اقتصادی

و مدرن و نیز

صنعت پیشرفته

برخوردار از زنجیره

کامل ارزش اتفاق

افتاده است، البته

اگر بخش معدن

و صنایع معدنی با

روش‌های مدرن

اکتشاف، استخراج

شود و زنجیره

ارزش کامل شود به

دلیل پتانسیل‌های

فراوانی که وجود

دارد می‌تواند

پیشران باشد.

پیشرانی فعلی نه

به دلیل عملکرد

خوب بلکه

به دلیل ضعف در

صنعت، خدمات و

کشاورزی در شرایط

فعلی است.

ذخیره و ارزش مواد معدنی، شرکت‌های دولتی یا شبه‌دولتی به عبارتی خصولتی می‌باشند و معادن بخش خصوصی اغلب کوچک و از لحاظ ارزش ماده معدنی در سطح بالایی نیستند، لذا رقابتی شکل نمی‌گیرد. عمده رقابت‌ها در بهره‌برداری، واگذاری پهنه‌های معدنی و محدوده‌های اکتشافی می‌باشد، در این شرایط، اصلاً بخش خصوصی توان حضور در مزایده‌ها را ندارد و با اینکه شرکت‌های بزرگ محدوده‌های وسیع را در اختیار دارند و امکان ورود بخش خصوصی به این محدوده‌ها وجود ندارد. استخراج و یا انجام اکتشاف در سطحی محدود به بخش خصوصی واگذار می‌شود. این عادت وجود دارد که شرکت‌های بزرگ معدنی تمامی زنجیره از اکتشاف تا فرآوری را خود انجام دهند و حتی برای انجام خدمات پشتیبانی هم شرکت‌ها و هلدینگ‌هایی با سهامداری عمده همان شرکت‌ها تشکیل گردیده است.

♦♦ به نظر شما مدیریت حوزه معدن در استان کرمان چه اندازه مبتنی بر دانش است؟ برای استقرار و مداومت مدیریت دانش در این حوزه چه باید کرد؟

در یک نگاه اجمالی می‌توان گفت بخش معدن بهره‌ور نیست؛ به این دلیل که زنجیره ارزش کامل نیست، اکتشاف سیستماتیک انجام نشده، تکنولوژی‌های استخراج به‌روز نیست، ماشین‌آلات و تجهیزات به دلیل تحریم فرسوده است، نیروی آموزش‌دیده در سطح عالی نیست، اگر یارانه انرژی حذف شود و آب و برق با قیمت واقعی محاسبه گردد معلوم نیست توجیه اقتصادی فعالیت‌های معدنی چه وضعی پیدا نماید و این نوع نابسامانی در سایه فقدان مدیریت دانش در حوزه معدن اتفاق می‌افتد. البته تلاش‌هایی در سطح معادن بزرگ انجام شده، اما کافی نیست. اگر رانتهای انرژی حذف شود، الزام بهره‌ور شدن فعالیت‌ها ایجاد می‌شود، این مهم استقرار مدیریت دانش و تبدیل مزیت‌های نسبی به مزیت‌های رقابتی را حتماً در پی خواهد داشت.

♦♦ الزامات تولید دقیق و هوشمند در فعالیت‌های معدنی کدامند؟ و وضعیت بخش معدن استان از باب فراهم نمودن این الزامات چگونه است؟

لزوم حفظ ایمنی برای حفاظت از جان ارزشمند است، کاهش و به صفر رسیدن تلفات، جراحات، همچنین ایمنی ماشین‌آلات و ابزارآلات و سرمایه معدن‌دار و حفظ محیط‌زیست و تخریب کمتر، استخراج هدفمندتر و افزایش بهره‌وری و حفظ قدرت رقابت‌پذیری معدنکاری، استفاده از معدنکاری هوشمند را بسیار ضروری نموده است. این موضوع یعنی هوشمندسازی فعالیت‌ها در معدن در تمامی زنجیره،

وجود نخواهد داشت. به دلایل متعدد، امکان تأمین و ورود این مواد یا وجود نخواهد داشت یا اقتصادی نخواهد بود. لذا این روند که تمرکز ویژه‌ای بر استخراج مواد معدنی شده است و زنجیره کامل ارزش افزوده‌ای هم ایجاد نمی‌شود و درآمد حاصل از معادن هم به اشکال مختلف، مانند حقوق دولتی، بهره مالکانه، سود سهام، سود سرمایه‌گذاران، سود بانکی مشارکت در پروژه‌های ملی و کمک به اقتصادی بودن کارخانجات دولتی از استان خارج می‌شود، با اتمام این معادن، استان دچار چالش جدی می‌شود.

◆◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

وجود معادن و برداشت از آن‌ها برای تبدیل به ثروتی زاینده و پایدار، بسیار خوب می‌باشد. اگر معدن، بنیان صنعت منطقه شود و درآمد حاصل از آن صرف هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری‌های غیرحرفه‌ای نشود، نمی‌تواند موجبات رشد درازمدت را فراهم آورد. از این زاویه به معدن نگاه کنیم و این سرمایه بین نسلی را صرف امور جاری کوتاه‌مدت ننماییم. ◆◆

و زنجیره ارزش کامل شود به دلیل پتانسیل‌های فراوانی که وجود دارد می‌تواند پیشران باشد. پیشرانی فعلی نه به دلیل عملکرد خوب بلکه به دلیل ضعف در صنعت، خدمات و کشاورزی در شرایط فعلی است.

◆◆ در موضوع آینده‌نگری در توسعه معادن استان کرمان توضیح دهید، آینده این بخش چقدر روشن است و چه چشم‌اندازی برای آن ترسیم شده است؟

معادن، منابع تجدیدناپذیرند؛ ممکن است به سه دلیل در آینده مهم نباشند:

- به‌طور کامل ذخیره آن‌ها تمام شود،
 - برداشت و استخراج، اقتصادی نباشد،
 - با جایگزینی تکنولوژی‌های جدید، نیازی به معادن نباشد؛ مثل نفت و گاز که دیری نخواهد پایید تا ارزش خود را از دست بدهند.
- لذا نباید اقتصاد را بر این پایه بنا نهاد؛ چرا که با اتمام این ظرفیت‌ها و ذخیره‌ها، خوراک کارخانجات احداث شده

